

نهضت اصلاح‌گری در آراء مفسرین معاصر اباضی مذهب با تاکید بر آراء احمد

خلیلی در جواهر التفسیر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴

بتول باقری^۱

حسین خوشدل مفرد^۲

محمد ناصحی^۳

چکیده

عنوان «اصلاح طلبی» (الاصلاح، الاصلاحية، التجديد) پدیده شناخته شده‌ای در فضای فکری دینی و اجتماعی جوامع اسلامی معاصر بوده و تحقیقات گسترده‌ای در این خصوص صورت گرفته است. پژوهش حاضر در همین راستا به بررسی رویکرد اصلاح‌گرایانه علما و مفسران اصلاح طلب اباضی، فرقه‌ای منشعب شده از پیکره خوارج که تاکنون به حیات سیاسی و عقیدتی خود ادامه داده است، با تکیه بر آراء تفسیری «احمد بن حمد الخلیلی» در جواهر التفسیر انوار من بیان التنزیل می‌پردازد. خللی در مقام مفسری اصلاح طلب، به دعوت به اصلاح‌گری در تفسیر و بازگشت به قرآن، شهره است. او اصلاح طلبی دینی را به سبب تناسب آن با نسل‌های مختلف امت اسلام، نیاز میرم می‌داند و تأکید می‌کند، متغیرهای دین به شرط وجود ابزار اجتهاد در عرصه اصلاح طلبی و تجدید قرار می‌گیرد. او معتقد است، احکام ثابت دین نیازمند اصلاح نیست و در تفسیر خود به ارائه فهم و خوانش جدید قرآن متناسب با دوران معاصر و ارائه ابعاد جدید هدایتگری قرآن تمایل دارد. از این رو، در جواهر التفسیر با ارائه آراء اصلاح‌گرایانه خود با استفاده از داده‌های علم روز و دعوت امت به تأمل در سنن الهی در عالم هستی و توجه به سایر مؤلفه‌های مؤثر در فهم قرآن، به اصلاح زندگی واقعی امت اسلام اهتمام ورزیده است. در پژوهش حاضر با تمرکز بر بررسی تفکر اصلاح طلبی دینی و سیاسی مفسران اباضیه و احمد خللی، از روش شناسی تحلیل آراء و گزاره‌های تفسیری خللی در جواهر التفسیر و روش‌شناسی استقرایی برخی از آثار وی استفاده شده است.

۱. دانشجوی دکتری الهیات، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران: bagheri.kashan@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران (نویسنده مسئول): khoshdel75@yahoo.com

۳. استادیار گروه معارف، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران: Dr.mnasehi@gmail.com

کلید واژه‌ها: اباضیه، خلیلی، جواهرالتفسیر، اصلاح طلبی دینی و اجتماعی.

مقدمه

«اصلاح طلبی»، بیداری اسلامی و جنبشی فکری، سیاسی و اجتماعی در جهان اسلام است که طی دو قرن اخیر با هدف احیای هویت، ارزش‌ها و احکام اسلامی در جامعه و مبارزه با استعمار و ظلم و بی‌عدالتی جهانی، ایجاد شده است. نهضت اصلاح طلبی، زمینه تالیف کتب و مقالات متعدد علمی به طور عام و تحلیل آراء اصلاح طلبانه مفسران در تفاسیر به طور خاص، پیرامون بررسی اندیشه اصلاح طلبی دینی و سیاسی را فراهم نموده است. به ویژه که اتفاق نظر مفسران بر جنبه‌های نهضت اصلاح طلبی بارزترین ویژگی این حرکت دینی به شمار آمده و می‌تواند رویکردی جدید در تفسیر تلقی شود.

واژه قرآنی «اصلاح» به معنای «بهبود بخشیدن» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۸۹) و مشتقات آن از الفاظ پرتکرار در قرآن است؛ مانند آیه «وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف: ۱۴۲)، «اصلاح» به معنای تلاش در جهت بهسازی اوضاع اجتماعی است. و نقطه مقابل فساد قرار گرفته است. از منظر قرآن، ظهور دین اسلام خود یک حرکت مهم اصلاح گراست، از این رو، اصلاح جامعه یکی از اهداف عمده رسالت پیامبر (ص) است؛ حرکتی که علاوه بر اصلاح باورها و اعمال دینی به اصلاح نهادهای گوناگون اجتماعی و برقراری قسط و عدل نیز توجه داشته است (سجادی، ۱۳۹۸/۱۲۳۰ با تلخیص).

نهضت احیای دینی در جهان اسلام از سید جمال الدین اسدآبادی و عبده بر پایه دعوت به اسلام راستین و بازگشت به قرآن استوار بوده است. دغدغه آنان بازگشت مسلمانان به گوهر خود بود که از قرآن گرفته بودند. براین اساس، رهایی مسلمانان از سلطه استعمار و استبداد و بازگشت به اسلام و قرآن در عرصه سیاست و اجتماع، هدف محوری تلاش اصلاح طلبی سید جمال بود. در این راستا محمد عبده و شاگردان او نیز بر احیای معارف و آموزه‌های قرآنی و سازواری آنها با فرهنگ و علوم روز پای فشردند. به این ترتیب، در سالیان اخیر جریان بازگشت به قرآن به عنوان مهمترین سند و شناسه دینی، به صورت یک تئوری جدی بین مسلمانان و علمای اسلامی، با سردمداری سید جمال مطرح شده است (کردکری، ۱۳۹۹: ۱۴-۱).

برخی شعارهای اصلی اصلاح طلبان معاصر مانند «بازگشت به کتاب و سنت، و مبارزه با بدعت و

خرافه» از صدر اسلام تا کنون همواره مدافعانی داشته است. بنابراین، به اذعان اغلب محققان تاریخ حرکت-
 های اصلاح طلبانه، ویژگی ستیز با بدعت و رجوع به شیوه سلف در برخورد با مسائل دینی، وجه اشتراک
 اصلاح طلبان متقدم و متأخر و برجسته ترین نمود اصلاح طلبی بشمار می‌آید (سجادی، ۱۳۹۸: ۴/۱۲۳۰
 با تلخیص). گویا همین دو ویژگی بارز، انگیزه مهم اندیشه اصلاح طلبی دینی خلیلی در جواهرالتفسیر است.
 او می‌نویسد: «اگر اقرار به فضیلت صاحب فضل نیکوست، به نظر ما مکتب اصلاح‌گری به سبب تقدم آن
 در رفع مشکلات معاصر در پرتو قرآن، آگاهی از انواع جریان‌های فکری ناشی از غرب، نقد تصورات و
 برداشت‌های مستشرقین و شاگردان آنان علیه اسلام و نهایتاً مبارزه با خرافات و اوهامی که در آن دوران عقل
 مسلمین را تحت سیطره خویش درآورده بود، جایگاه و اهمیت برجسته‌ای دارد (خلیلی، ۱۴۳۳: ۱/۴۹).
 براین اساس بررسی اندیشه اصلاح‌گری دینی مفسران اباضی به ویژه خلیلی در جواهرالتفسیر انوار من
 بیان التنزیل نیز از منظر علمی جایگاه خاصی دارد. خلیلی، مفسری اصلاح طلب، نوگرا و آزاداندیش است
 که به مطالعه و تحلیل اندیشه‌های دینی و تفسیری توجه ویژه دارد. بر این اساس، پژوهش حاضر کوشیده، به
 تبیین برخی از جنبه‌های اصلاح‌گرایانه آراء او در جواهرالتفسیر ذیل سه مبحث پردازد. مبحث اول؛ معرفی
 احمد خلیلی و جواهرالتفسیر، مبحث دوم: نهضت اصلاح طلبی دینی و اجتماعی در تفاسیر اباضیه، مبحث
 سوم؛ اندیشه‌های دینی و اجتماعی اصلاح‌گرایانه خلیلی در جواهر التفسیر.

۱. معرفی احمد بن حمد الخلیلی و تفسیر او

۱-۱: آشنایی با فرقه اباضیه

اباضیه، یا اباضیه، فرقه‌ای از خوارج منسوب به عبدالله بن اباض تمیمی (درگذشته ۸۶ق) و
 از کهن‌ترین فرق پیدا شده در بین مسلمانان است. این گروه را پس از اهل سنت و تشیع می‌توان از لحاظ
 تاریخی مهم‌ترین فرقه اسلامی به حساب آورد (جلالی مقدم، بی تا، ۵۸۷/۲). اباضیه تنها فرقه باقی مانده
 از فرقه‌های خوارج است که در حال حاضر پیروانی در کشورهای عمان، زنگبار و شمال آفریقا، الجزایر،
 لیبی و تونس دارد، چنان‌که مذهب رسمی کشور عمان، اباضی است (طعیمه، ۱۴۰۶، ۲۳-۲۲). البته
 اباضیه معاصر خود را از فرقه خوارج ندانسته و نسبت خوارج را از خود نفی می‌کنند (حماد
 الجهنی، ۱، ۶۲/۱۴۲۰) آنها خود را «اهل اسلام، اهل حق، اهل الدعوه والاستقامه» می‌خوانند (السبحانی،

بی تا: ۳۱۱/۵). قرآن، سنت پیامبر (ص) و سیره خلفای راشدین، که به زعم آنان روش صحیح فهم دین را بیان کرده، منابع اصلی تفاسیر این فرقه است. براین باورند که اباضیه مذهب اصیل اسلامی و راه و منهج اباضیه، صحیح‌ترین روش فهم دین است (السالمی، ۱۴۳۳: ۲۰/۱).

۲-۱: احوال و اعمال احمد الخلیلی

بدرالدین ابوسلیمان احمد بن حمّد الخلیلی الخروسی، متولد (۱۳۶۱ق) در زنگبار و هم‌اکنون فقیه و مفتی اعظم شهر مسقط در کشور عمان است. جد اعلای وی «خلیل بن شاذان الخروسی» پیشوای اباضیه در نیمه قرن پنجم هجری قمری است. او طی سال‌های ۴۴۵-۴۷۵ ق حاکم عمان بود و طبق اعتقاد اباضیه به تحقق امامت با بیعت عمومی، در نتیجه بیعت عموم با وی به منصب «امامت» دست یافت و اینگونه احمد خلیلی در خاندانی منسوب به علم و مشهور به تدین در جامعه اباضیه رشد کرد. در کودکی، حافظ کل قرآن شد. و تحصیلات دینی را در جلسات درس ابراهیم اُطْفِیش عالم اباضی الجزائری (درگذشته ۱۹۶۵م/۱۳۴۴ش) و عیسی بن سعید اسماعیلی عالم زنگبار (درگذشته ۱۴۲۶ق) فرا گرفت. خلیلی پس از شاگردی اسماعیلی، خود نیز به عنوان یکی از عالمان اباضی زنگبار شناخته شد. در سال ۱۹۶۵م/۱۳۴۵ش از زنگبار به عمان بازگشت. و در سی و پنج سالگی و به دنبال ارتحال العبری در سال ۱۳۹۵ق/۱۳۵۴ش با حکم رسمی پادشاه عمان به سمت مفتی اعظم عمان منصوب شد. وی هم‌اکنون نیز عهده‌دار این منصب فقهی است (باقری، ۱۴۰۱: ۱۲۶-۱۰۹).

احمد خلیلی علاوه بر منصب افتا، مناصب برجسته متعددی همچون: رئیس هیئت مدیره کانون‌های فرهنگ اسلامی سلطان قابوس، رئیس مؤسسه علوم شرعی، رئیس کمیته انتشارات و تأیید کتاب وزارت میراث و فرهنگ ملی را در عمان برعهده داشته است. این مفسر معاصر، تألیفات متعددی همچون: جواهر التفسیر، الحق الدامغ زکاة الانعام، الفتاوی، شرح غایة المرام و سقط القناع، عوامل تقویة الوحدة الاسلامیة فی الشعائر الدینیة، إعادة صیانة الامة، المحکم و المتشابه، الدین والحیة را یاد کرد (قاسمی، مقاله «عمان و اباضیه معاصر»، هفت آسمان، ۱۷). برخی محققان خلیلی را به داشتن روحی دانش دوست و به دور از تعصبات فرقه‌ای ستوده‌اند؛ گاهی نیز در کنار ستایش آگاهی‌های دینی او تبحرش در علوم جدید و همسویی او با جنبش‌های اصلاح طلبانه در جهان اسلام را هم ستوده‌اند (عُتیم، ۱۴۴۰: سراسر مقاله).

۳-۱: معرفی جواهر التفسیر انوار من بیان التنزیل

جواهر التفسیر انوار من بیان التنزیل از جمله تفاسیر اباضی است. این تفسیر دربردارنده دروس تفسیری مؤلف برای دانشجویان رشته حقوق قضایی در دانشگاه قاپوس واقع در شهر مسقط است (خلیلی، ۱۴۳۳: ۱/۱۶-۱۷). مؤلف بعد از پایان این جلسات محتوای ضبط شده آنها را که از روی نوارهای صوتی پیاده شده بود در طی دو سال بازنگریست (خلیلی، ۱۴۲۵: ۴/۴) و در چهارجلد مدوّن کرد. بیش از نیمی از جلد اول محتوی بیان مقدمات تفسیر از قبیل «علوم قرآن، ضرورت و جایگاه تفسیر، اعجاز قرآن و انواع آن» است و در ادامه آن تفسیر سورة حمد را آورده است. جلد دوم مشتمل بر تفسیر ۲۹ آیه اول سورة بقره و جلد سوم نیز تفسیر آیات ۳۰-۹۶ همان سوره است. جلد چهارم به تفسیر آیه «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» (آل عمران: ۷) اختصاص یافته است.

خلیلی در شیوه تفسیری خود اصولاً از دوگونه روش‌شناسی بهره می‌گیرد. از یک سو تلاش می‌کند، همچون یک مفسر آگاه و روشمند با بهره‌مندی از روش تحلیلی، استنباطی و اجتهادی، ماهیت آشکار مباحث متفاوت قرآن مانند: مسائل اصلاحی و تربیتی، جاودانگی قرآن و توانمندی آن در پاسخگویی به مشکلات و نیازهای انسان معاصر، مسائل کلامی - عقلی قرآن را تبیین کند و وجود ساختارهای ثابت و روشمند ناشی از این تنوع موضوعی در قرآن را نشان دهد.

از سوی دیگر، در مقام مفسر قرآن و مفتی اباضی از منظر اصلاح گر دینی به تفسیر می‌نگرد و بر ضرورت بازفهم قرآن به منظور اصلاح دینی تأکید می‌کند. او کوشیده تا چگونگی مواجهه انسان با قرآن و تدوین اندیشه‌های فکری و تربیتی صحیح را نشان دهد تا از این طریق شناخت دقیق و روشن‌تری از «هدف نزول قرآن و چگونگی درک صحیح مقصود آیات، نیازمندی انسان معاصر به تفسیر صحیح قرآن، تبیین بعد تربیتی و اصلاح‌گری قرآن و انطباق قرآن با مسائل عقلی و توجه آن به موضوعات عقلی»، امکان پذیر گردد. در نتیجه، آیات الهی در حیات فردی و اجتماعی بشر جاری شده و زمینه رشد تفکر عقلانی و اصلاح‌گرایانه انسان فراهم گردد. خلیلی معتقد است: «خداوند کتابش را برای هدایت مردم نازل کرد و آن را مایه رحمت و منهج استقامت و جاده سلامت قرار داد. از آنجا که خداوند کار عبث نمی‌کند، پس هر آنچه از سوی او صادر شود، ناشی از حکمت ربانی اوست. اعم از اینکه مردم به آن حکمت آگاه باشند یا نباشند. بنابراین، هیچ چیزی از قرآن خارج از حکمت ربانی خداوند نیست» (خلیلی، ۱۴۳۳: ۱۹/۱).

این مفسر اباضی، تفسیر قرآن بر مبنای جنبش اصلاح‌گرایانه را پذیرفته و مراقبت از سلامت این حرکت

را وظیفه همه مسلمین می‌داند. او می‌گوید: «امروزه جهان در بیداری اسلامی قرار گرفته و نور اسلام بر عقول جوانان مسلمان تابیده است؛ پس ضروری است، نهایت تلاش و توان مادی و معنوی خود را به منظور مراقبت از مسیر صحیح جنبش بیداری و انتشار آن با نور قرآن و مراقبت از بکارگیرند و آن را از هرگونه اعوجاج و انحراف حفظ نمایند» (همان، ۱۶/۱).

۲. نهضت اصلاح طلبی در آراء مفسرین معاصر اباضیه

نگرش کلی به تفاسیر اباضیه نشان می‌دهد، شیوه تفسیری آنها همان شیوه مرسوم تفاسیر اهل سنت و شیعه است. نقل به ماثور از پیامبر (ص) و اقوال صحابه و تابعین در تبیین آیات بکار رفته است. پرداختن به بُعد اجتماعی و سیاسی و دفاع از دین در سایه تفسیر اجتماعی و علمی آیات قرآن در این تفاسیر به چشم می‌خورد. طبعاً این امر از حرکت اصلاح طلبانه و بازگشت به قرآن در آراء و افکار شخصیت‌هایی همچون سید جمال الدین، محمد عبده و رشید رضا، تاثیر پذیرفته است (ایازی، ۱۳۷۴: ۱۴۰-۱۵۳). در ادامه به رویکرد اصلاح طلبی مفسران اباضیه خواهیم پرداخت.

۱-۲: رویکرد نهضت اصلاح طلبی در تفاسیر اجتماعی

اصلاح طلبی و رفع نیازهای اجتماعی معاصر تنها انگیزه عالمان برای رویکردهای تفسیری جدید نبود، بلکه گاهی مواجه شدن مسلمانان با علوم جدید غربی و احساس ناسازگاری بین قرآن و علم، برخی از مفسران را وادار می‌کرد تا به نحوی میان داده‌های علم جدید با قرآن ایجاد ارتباط کنند. بدین ترتیب این انگیزه زمینه ساز پیدایش «تفسیر علمی قرآن» شد. در مقایسه میان رویکرد اصلاح طلبانه و علم گرایانه، باید گفت؛ رویکرد نخست بیشتر جنبه بازخوانی قرآن و بازگشت به قرآن برای فهمی دیگر دارد، در حالی که در رویکرد دوم هدف اصلی دفاع از قرآن و فراهم آوردن امکان برای ادامه باور به قرآن است و بیشتر جنبه دفاعی دارد (پاکتچی، بی تا: ۶۰۱۵/۱۵).

تفسیر اجتماعی با محوریت رویکرد اصلاح دینی از گرایش‌های شایع تفسیر در عصر حاضر است. این گرایش با پیروی نکردن از شیوه تفسیری سلف که تنها متکی به روایات، آیات و لغت است. براساس یافته‌هایی از قرآن به مباحث مورد نیاز جامعه خود می‌پردازد تا علاوه بر رفع مشکلات اجتماعی عصر خود، دین را به شکل جدیدی متناسب با زمان مطرح نماید. در گرایش اجتماعی، مفسر با نگرش جامعه‌زدایی،

ممکن است شیوه‌ها و اندیشه‌های سنتی را محکوم کند و دیدگاه‌هایی منطبق با دانش‌ها یا جامعه عصر خود ارائه دهد. از طرف دیگر، از مسائل خرافی، اوهامات و افکار دور از ذهن مردم، فاصله گرفته و دیدگاه‌های معقولی نیز ارائه می‌کند. مفسر اجتماعی، اعجاز علمی قرآن و کارآمدی قرآن در اعصار مختلف برای سعادت انسان را ثابت می‌کند (علوی مهر، ۱۳۸۱: ۳۴۳).

۲-۲: رویکرد اصلاح‌طلبی دینی و اجتماعی در جهان عرب

تأثیر فرهنگ غرب و تجدد، در جهان اسلام و از آن جمله دنیای عرب واکنشهای اجتماعی-سیاسی و فرهنگی فراوانی را برانگیخت. از آغاز آشنایی اعراب با اروپا، موج تجددخواهی، برای حل مشکلات جهان عرب و رهایی از انحطاط و عقب‌افتادگی جوامع در میان عربها شکل گرفت. در برابر موج تجددخواهی و انحطاط جوامع اسلامی، گرایش «اصلاح‌طلبی اسلامی» توسط متفکران اسلامی پدیدار گشت و آنان در عین حال که از تجربه اروپایی و تجربه تاریخی اسلامی برداشت‌های گوناگونی داشتند، این دو تجربه را برای مقابله با استبداد داخلی و استعمار تلفیق کردند (یوسفی اشکوری - سجادی، ۱۳۹۸: ۴/ ۱۲۳۰ باتلخیص). ابوالکلام آزاد (د ۱۳۷۹ق)، مفسر اصلاح طلب شبه قاره، حرکت‌های اصلاحی در سده اخیر را سه گونه دانسته است؛ نخست تجدد طلبان غرب‌گرا که شاخص آنان سر سید احمد خان هندی است؛ دوم کسانی که به دنبال اصلاحات سیاسی و دفاع از حریم دین هستند، ولی بدون احساس نیاز به اصلاح دین، احیای تعالیم دینی و سامان بخشیدن به وضع مسلمانان را آرمان خود می‌دانند. شاخص آنان سید جمال الدین است؛ سوم کسانی که به پیشگامی محمدعبد، به دنبال اصلاح دین هستند و بر این باورند که در دین تحریفاتی صورت گرفته، و تنها بازنگری در آموزه‌های دینی ضامن سعادت مسلمانان است (پیشین، ۱۵/ ۶۰۱۵).

۲-۳: رویکرد اصلاح‌طلبی دینی و اجتماعی نزد مفسران اباضیه

۲-۳-۱: ابواسحاق ابراهیم بن محمد اطفیش

ابواسحاق ابراهیم بن محمد اطفیش (درگذشته ۱۳۸۵ق) ادیب، فقیه، مفسر و عالم اباضی الجزایری است. او از شاگردان محمد بن یوسف اطفیش - قطب الانمه - و از پیشگامان نهضت اصلاح طلبی در الجزائر است که در زمینه وحدت مسلمین، تلاش بسیار کرد (نویهض، ۱۴۰۰: ۱۹؛ خلیلی، ۱۴۳۳: ۴۹/۱). خلیلی در زنگبار تفسیر، فقه و اعتقاد را از او آموخت. او در تمجید استادش می‌نویسد: «محمد اطفیش - قطب

الائمه» - و محمد بن عبدالله الخلیلی علمای برجسته‌ای هستند که به مکتب تفسیری اصلاح‌گری روی آوردند. (خلیلی، ۱۴۳۳: ۴۹/۱-۵۰).

۲-۳-۲: محمد بن یوسف بن عیسی اَطْفِیش

محمد بن یوسف اَطْفِیش، (د ۱۳۳۲ق)، فقیه و مفسر اباضی مغرب و صاحب همیمان الزاد است. او از رجال سیاسی- اجتماعی الجزایر است که در پرورش و هدایت نسلی از اصلاح طلبان، تأثیری بسزا داشت (پیشین نویهض؛ خلیلی، ۱۴۳۳، ۵۰/۱). وی وطن خود را چون آیینش گرامی می‌داشت و در این راه از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمی‌کرد. اطفیش در جایگاه رهبر مذهبی در میان اباضیان وهبی مغرب، از یک سو به دنبال برقراری پیوستگی میان حوزه اباضی مغرب و دیگر حوزه‌های اباضی بود و از سویی، در جریان حرکت‌های مقدماتی تقریب بین مذاهب، می‌کوشید تا مذهب اباضی را نزد دیگر مذاهب، به عنوان مذهبی موجه بازناساند (فرهنگ انصاری، بی تا: ۳۶۵۴/۹). در نظر اباضیان، همیان الزاد الی دار المعاد، مرجع مهم تفسیر به شمار می‌رود، اما به دلیل معاصر بودن و تاخر مؤلف آن از علمای موافق و مخالف مذهب اباضیه، تصویری از تفسیر اباضیه در دوران اولیه به دست نمی‌دهد (الذهبی، بی تا: ۲۳۶/۲). اَطْفِیش در تفسیر «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيْنَهُمَا» (حجرات/۹) می‌گوید: مراد از «أَصْلَحُوا»، اصلاح از طریق نصیحت و دعوت به حکم الهی است (همان، ۲۳۶/۲).

۲-۳-۳: ابراهیم بن عمر بَیْوض

ابراهیم بَیْوض (در گذشته ۱۳۹۷ق/۱۹۸۰م) یکی از چهره‌های تفکر اصلاح طلب الجزایر بود، او که به ابعاد اصلاحی و سازنده دین توجه بسیار داشت، کوشید تا در خلال درس تفسیر خود، جهات اصلاح طلبی دین را برای ملت الجزائر تبیین کند تا بتوانند از ظلمت جهل و یوغ استعمار فرانسه رهایی یابند (بکاری، ۲۰۱۳: ۴۲-۴۱) ابراهیم بیوض، شاگرد شخصیت‌های برجسته‌ای همچون «محمد بن یوسف اطفیش و محمده عبده» بود و حرکت اصلاح طلبانه خود را متأثر از آنان و ادامه حرکت اصلاح‌گرایانه اطفیش خوانده، او می‌نویسد: «امروز نهضت ما، استمرار نهضت علمی و دینی است که شیخ عبدالعزیز الثمینی و یحیی بن صالح افضلی، آغازگر آن و محمد اطفیش پرچمدار آن است» (همان، ۴۱-۴۲). بَیْوض در سخن دیگری، محبت خود به نبی مکرم اسلام و اطفیش را انگیزه قوی در قبول آرا و اندیشه‌های استاد خود دانسته و می‌گوید: «من ابتدا به دلیل علاقه شدیدی که به پیامبر (ص) و ایشان داشتم، مشتاق نظر شیخ بودم و با جوانان مشتاقی

چون خودم به درس تفسیر قرآن او می‌رفتم» (همان، ص ۴۱).

در اوایل دهه ۱۹۲۰، الجزایر نیز شاهد آغاز گسترش اندیشه‌های اصلاح گرایانه، مبتنی بر حفظ هویت شخصی اسلامی در برابر انحرافات فکری ناشی از حضور فرانسوی‌ها در الجزایر بود (همان، ۵۳). در سال ۱۹۳۱م «جمعیت علمای اصلاح طلب» به رهبری سه تن از علما به ویژه ابن بادیس تشکیل شد و خواستار حکومت اسلامی و رهایی از استیلای فرانسه گردید (باقی، ۱۳۹۸ : ۴ / ۷۰۷). سیاست در اندیشه بیوض، عنصر مؤثری است که جامعیت داشته و همه عرصه‌های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو، در کنار امر اشتغال به تحصیل علوم، تربیت جوانانی صالح به مدد فرهنگ صحیح اسلامی و با هدف زدودن انحرافات فکری از ذهن امت را مسئولیت مهم خویش تلقی کرده است. او می‌نویسد: «ما برای رسیدن به هدف نزدیکی که پیش روی ملت خود داریم، مجدانه به وظیفه خود عمل کرده و ان شاء الله مسیر پیروزی را ادامه می‌دهیم.» (بکاری، ۲۰۱۳ : ۵۳-۵۴).

ابراهیم بیوض صاحب تفسیر اباضی فی رحاب القرآن مشتمل بر تفسیر سوره اسراء تا پایان قرآن است. او در تفسیر خود منهج تفسیری و اصلاح طلبی عبده را برگزید. بنابراین، رویکرد بیوض در تفسیر قرآن با مکتب تفسیری اصلاح طلب عبده و ابن بادیس تفاوتی ندارد. این مکتب به تطهیر بدعت‌ها و خرافات، ترویج اخلاق و تربیت عقیدتی و رفتاری در حوزه علم و عمل، با تأکید بر قرآن اعتقاد داشت (همان، ۴۳). هدف بیوض از تفسیر قرآن، اصلاح نفوس، تربیت عقول، سامان دادن به جامعه و ایجاد رنسانس واقعی در میان مسلمانان و ارائه تفسیر صحیح به جامعه مسلمان الجزایر است (همان، ۹۰-۹۱). خلیلی می‌نویسد: «شیخ ابراهیم بیوض، تحت تأثیر عبده، روش تفسیر اصلاح گری را اتخاذ کرد. این مفسر بیش از پنجاه سال و تا کمی قبل از وفات خود در مسجد القراه در میزاب قطر به تدریس تفسیر اشتغال داشت» (خلیلی، ۱۴۳۳: ۴۹/۱). بیوض بر علاج مشکلات اجتماعی مسلمین بر اساس دوران حیات آنان، تأکید ویژه دارد. از این رو، در جای جای تفسیر او مواردی از اصلاح و تجدید به چشم می‌خورد (الشعلی، ۲۰۱۹: ۲۳-۱).

۲-۳-۴: احمد بن حمد الخلیلی

احمد خلیلی در جایگاه مفتی اعظم سلطنت عمان در زمره علمای مجتهد و اصلاح گر جهان عرب شمرده می‌شود. این امر با توجه به تألیف کتب متعدد فقهی و اهتمام وی در بسیاری از مسائل فقهی معاصر، ثابت شده است. خلیلی اصلاح گری در مسائل دینی را بر اساس اصول و مبانی دین ضروری می‌بیند و بر این

اساس، درتالیفات خود پیرامون فروع مختلف شریعت، گفتمان تجدید و اصلاح طلبی را اتخاذ کرده است. اندیشه اصلاح طلبی خلیلی متأثر از تفکر اصلاح گرایانه علمای مجتهد به ویژه جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده است که در طول دوران حیات خود برای رفع معضلات اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی و ایجاد اصلاحات سازنده تلاش بسیار کرده‌اند. شاید به همین دلیل خلیلی با توجه به معلوماتش از مکتب اصلاح‌گری، سختی‌های مسیر اصلاح و تلاش علما و محققان اصلاح طلب برای هموارکردن این مسیر را مطمح نظر خویش قرار داده و می‌نویسد: «من از علما و محققان این مکتب و کسانی مانند شهید اسلام سید قطب، که با تحمل مرارت بسیار، مسیر حرکت اصلاحی‌گری قرآن را هموار کردند، تشکر می‌کنم» (پیشین، ۵۲/۱).

خلیلی در مقام مفسر برجسته، قرآن را برترین منبع خیر و هدایت و منهج الهی برای بهتر زیستن انسان دانسته است. بر این اساس، چون انسان در شرایط گوناگون مانند صلح و جنگ، نشاط و مصیبت، سختی و آسانی و... باید خود را در معرض تربیت قرآنی قرار دهد، پس جامعه بشری نیاز مبرم به قرآن دارد (خلیلی، ۱۴۳۳: ۷/۱؛ همو، ۱۴۲۸: ۲۵۰). از این رو، نیاز مسلمین به بازگشت به قرآن، اقتضا می‌کند، امت مسلمان در قالب قرآنی جدید شکل بگیرد و این امر مستلزم آن است که امت همانند سلف صالح، تفکر و حرکت خود را بر مبنای قرآن قرار دهد و نیز بنای زندگی خود را در عرصه‌های اعتقادی، عبادی، اخلاق، معاملات، سیاست، اقتصاد، ادبیات، فرهنگ یا جامعه بر پایه‌های مستحکم آموزه‌های قرآنی بنا کند. خلیلی با استناد به آیه «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِّلْمُسْلِمِينَ» (نحل: ۸۹) تاکید می‌کند که قرآن به‌عنوان روشی برای بشریت در هیچ مرحله‌ای از زمان یا مشکلات زندگی متجدد، محدود نمی‌شود (خلیلی، ۱۴۳۳: ۱۶/۱)، بلکه قرآن متنی زنده است که با رویدادهای مختلف ارتباط برقرار می‌کند و از واقعیت مردم و زندگی آنها جدا نیست. براین اساس، خلیلی جنبه اصلاح‌گری و پاسخگو بودن قرآن برای هر موقعیت و مکانی را تبیین کرده و می‌نویسد: «گویا قرآن بر اساس مقیاس عقل، معیارهای فکر، مراحل زندگی و مقتضیات حیات هر نسلی، نازل شده است» (همان، ۶۲/۱).

تعامل با قرآن و توجه به جنبه هدایتی آن، برای ارائه رویکردی عملی مواجهه با قرآن به مسلمانان، هدف عمده خلیلی از تفسیر قرآن بود. در اندیشه او تعامل با قرآن، از یک سو بر فهم واقع بینانه آیات قرآن و درک جدایی ناپذیری آن از زندگی فردی و اجتماعی مسلمین استوار است و از سوی دیگر، ارتباط وثیقی با

اقتضائات زمان و مکان دارد. توضیح اینکه، خلیلی در جواهرالتفسیر غالباً با اشاره به کیفیت و کمیت فهم قرآن توسط نسل اول مسلمین، تأکید می‌کند، سلف صالح با بهره‌مندی از رهنمودهای قرآن و نگریستن به جهان و جزئی‌ترین مسائل زندگی انسان از دریچه قرآن، گویی انقلابی واقعی در واقعیت خود به وجود آورده - اند آنها به دلیل این «تعامل شگفت» توانستند جنبه هدایتی قرآن در زندگی افراد را توسعه داده و تصویری زنده از هدایت قرآن به وجود آورند (همان، ۱۳/۱).

خلیلی، بر اساس قاعده اصولی «مالایتم الواجب الا به فهو واجب»، اهتمام به تجدید و بازسازی احکام دین را امری ضروری و واجب تلقی کرده است؛ زیرا از یک سو واقعیت استخلاف انسان در زمین که اساس خلقت و شکل‌گیری اوست، تنها با تحقق اسباب قدرت و توانمندی او حاصل می‌شود و از سوی دیگر، تحقق اسباب قدرتمندی، متوقف بر اصلاح و نوآوری در شیوه‌ها و ابزار است که منتج به استمرار صلاحیت دین اسلام در هر زمان و مکان می‌شود. به عنوان نمونه از نظر خلیلی، اگر امر به معروف و نهی از منکر اساس پایداری و قوام زندگی مسلمین باشد، آنان باید با تجدید توان این فریضه الهی و با بهره‌مندی از ابزارهای مادی و معنوی در هر دوران، زمینه اصلاح و سعادت‌مندی زندگی خود را فراهم آورند (الرجیبیه، ۱۴۴۲: ۷-۵۲).

۳. اندیشه‌های دینی و اجتماعی اصلاح گرایانه خلیلی در جواهر التفسیر

۳-۱: انگیزه اصلاح طلبی در اندیشه خلیلی

۳-۱-۱: از دست رفتن عزت مسلمین

قرآن کریم به عنوان اجتماعی ترین کتاب دینی جهان، مسلمانان را به حفظ عزت فرا می‌خواند. در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدای تعالی قرار می‌گیرد (خامنه ای، ۱۳۹۱، سخنانی). بنابراین، به استناد آیه الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء/۱۳۹) عزت مسلمین در دستان سلطه گران نیست. بلکه باید عزت را نزد خداوند یافت. بدین ترتیب مسلمانان همواره باید اصل عزت را سنگ بنای ایجاد تمدن اسلامی قرار داده و از عزت خود مغفول نمانند.

در اندیشه خلیلی - مفسر اصلاح گرا و منادی وحدت - از دست رفتن عزت و اتحاد مسلمین، عقب ماندگی جوامع اسلامی و تغییر معیارهای انسانیت در جوامع اسلامی، پیامد ضعف مسلمین در برقراری رابطه فردی و اجتماعی و یا قطع ارتباط آنان با قرآن است (خلیلی، ۱۴۳۳: ۱۴/۱). براین اساس، امروزه بازگشت به

قرآن تنها راهکار حفظ اصل عزتمندی و اصلاح جامعه از معضل عقب ماندگی است؛ زیرا از یک سو قرآن مسیری روشن، بدون ابهام و بدور از تحریف است و از سوی دیگر، به شهادت قول مالک یعنی «لایصلح هذه الامه الا ما اصلح اولها» (الراجحی، ۱۴۳۰: ۲۲/۹) سلف صالح، در سایه قرآن و به مدد احیای ارزش‌ها و هدایت‌های قرآنی و دستیابی به فهم جدید و سازنده از قرآن، مسیر عزتمندی را پیموده اند (خلیلی، ۱۴۳۳: ۱۵/۱). به عقیده خلیلی، قرآن، عناصر هدایتی جدیدی را درهم می‌آمیزد که صرفاً مقید به اقتضانات زمان و مکان نباشد و نسبت به چالش‌ها و ابزار عصر نیز بی تفاوت نباشد. بدین ترتیب فهم موثر از قرآن و تبدیل آن به واقعیتی عینی در زندگی اجتماعی به منظور اصلاح گری، عامل مؤثری در ترغیب امت اسلام در امر اصلاح جامعه و نیل به عزت و شکوه پیشین امت اسلامی به شمار می‌رود (همان، ۱۶/۱).

۳-۲: شیفتگی به غرب تحت تاثیر تمدن اروپا

تأثیر تمدن غرب بر روشنفکران و علمای مسلمان موضوعی چند وجهی است. آنان در مواجهه با تمدن غرب، روش‌های متعددی برگزیدند. در این میان، اصلاح طلبی دینی و اجتماعی از مهمترین این روش‌هاست. به باور خلیلی، از یک سو، حضور نخبگان علمی و روشنفکران اسلامی در مراکز آموزشی اروپا و تأثیرپذیری آنان از تمدن متمدن و تعالیم غربی، زمینه ایجاد شیفتگی به ادبیات اروپا در آنان ایجاد کرد که منجر به پیامدهای منفی مانند، تعصب کورکورانه با اکتفا به ظواهر علم و تمدن جدید، روحیه تقلید، غرور و عجب و ترس از نوآوری در آنان شد. از سوی دیگر، این موانع روانی و فرهنگی، در کنار اعتماد صرف روشنفکران به علوم عقلی و آزمایش‌های علمی، انگیزه تضعیف اساس مذهب اسلام، انحراف مسلمانان از دین و وابسته نمودن آنان به امور غیر دینی (مشغله‌های مادی) را به دنبال داشت. چرا که درخشش تمدن اروپایی چشمان روشنفکران مسلمان را کور کرد و آنان به تأسی از اساتید غربی خود، به ابزاری برای تخریب دین و ارزش‌ها و اخلاق اسلامی مبدل شدند (خلیلی، ۱۴۳۳: ۵۰/۱).

اصلاح گرایی دینی ناظر بر نوع نگرش به مذهب، نسبت سنجی جایگاه آن در سیاست، سنت و تجدد و شیوه اقتباس فرهنگی از غرب است. از آنجاکه معارضات بین تمدن اسلامی و تمدن غربی، بیشتر در جنبه‌های استعماری آن بود (دولت آبادی، ۱۳۷۷، ۵۶) و شرق همواره مستعمره و غرب استعمارگر بوده است؛ بنابراین، اندیشه اصلاح‌گری با نوع نگاه تمدن غرب به مسلمانان، پیوند خورده است (هاشمی اصل، ۱۴۰۱: ۷۵-۸۹). انگیزه علمای مسلمان از اصلاح‌گری دینی متأثر از تمایل به بازگشت به اصول اولیه و خالص

اسلام، پاکسازی عقاید از خرافات و بدعت‌ها، و هماهنگ‌سازی تعلیم دینی با نیازهای معاصر و احیاء معنویت و دین به شکلی است که با عقلانیت و مقتضیات زمانه سازگار باشد (بروجردی، ۱۳۷۷: ۱۰۱). تفکر اصلاح‌گری احمد خلیلی نیز از این قاعده مستثنی نبود؛ زیرا در اندیشه اصلاح‌گرایانه او تحجر عقلی و فکری علمای مسلمان از یک سو و شیفتگی روشنفکران نسبت به تمدن غرب و تأثیر آن بر امت اسلامی، از سوی دیگر، بستر وقوع خرافات و بدعت‌ها در عقاید اسلامی و گمراهی مردم را فراهم کرد، به ویژه که با اختلاط حق و باطل و علم با توهم، این اوهام و بدعت‌ها به نام اسلام ثبت می‌شد (همان، ۵/۱). به عنوان مثال خلیلی ذیل تفسیر آیه «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (حمد: ۷) لزوم پیوند و انسجام بین مسلمانان به منظور تقویت استقامت و عزت، اتحاد نسل‌های آینده و اتصال آنان به پیشینیان را استنباط کرده است (همان، ۳۵۳/۱).

۳-۱-۳: غفلت از سازگاری دین و علم:

به باور خلیلی، اشتباه روشنفکران مسلمان در تأسی از غرب، غفلت از تمایز آشکار اسلام با مسیحیت در مسئله سازگاری با علم و نبود تضاد میان علم و دین است. در چنین شرایط سخت و با وجود دو جریان متناقض (موافق و مخالف سازگاری دین و علم)، مکتب اصلاح با هدف تلاش برای پاکسازی ذهن و عقول مسلمین از خرافات، رفع تصورات و اتهام باطل تعارض اسلام با عقل و علم پدید آمد (همان، ۵/۱). به نظر می‌رسد به سبب اعتقاد غریب‌نویس به مخالفت اسلام با علم، خلیلی از آنان به عنوان جریان متضاد، یاد می‌کند. ۳-۲: ویژگی‌های اصلاح طلبی دینی و اجتماعی خلیلی در جواهرالتفسیر

بی تردید آراء مفسرین پیرامون نهضت اصلاح طلبی ویژگی‌هایی دارد که آنها را از یکدیگر متمایز می‌کند. در ادامه به تبیین برخی ویژگی‌های اصلاح‌گری دینی و اجتماعی خلیلی در جواهر التفسیر می‌پردازیم.

۳-۲-۱: اصلاح طلبی با پرهیز از تقلید صرف در آراء متقدمین

بدون تردید با ظهور مصلحان بزرگی در تاریخ، انسان‌ها با سخنان جدید و تغییر دهنده در جهت رشد و تعالی خود مواجه شدند و توجه اندیشمندان به مشکلات جامعه اسلامی همواره از دغدغه‌های فکری متفکران اسلامی بوده است. براین اساس، تلاش برای رشد علمی، فکری و فرهنگی، زدودن جهل و نادانی، تقویت پایه‌های اعتقادی و پیشگیری از تحریف دین و... جزء اصلی‌ترین اهداف آن‌ها بوده است (غروی‌ان،

۱۳۷۹: ۱۰۴-۱۰۹).

سیدجمال الدین بدون تردید سلسله جنبان نهضت‌های اصلاحی صدساله اخیر در قرن نوزده می باشد. او بیدارسازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد و با نهضت فکری و اجتماعی خود دردهای اجتماعی مسلمانان را با واقع بینی خاصی بازگو کرد و راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۷).

خلیلی از نهضت اصلاح طلبی دینی و اجتماعی در جوامع اسلامی تمجید کرده و می نویسد: «اگر اعتراف به فضیلت بزرگان، اعتبار آنان است، ما مکتب اصلاح طلبی را به سابقه پرداختن به مشکلات معاصر در پرتو قرآن و ایستادگی در برابر جریان‌های فکری غربی و ادعای مستشرقان و شاگردانشان علیه اسلام می شناسیم» (همان، ۴۹/۱). این عالم اباضی که اندیشه‌های اصلاح طلبی خود را متأثر از آراء اصلاح گرایانه دینی و اجتماعی سیدجمال و عبده می داند و رهبران و علمای مسلمان مکتب اصلاح طلبی را شایسته تقدیر دانسته و می گوید: «من از مکتب اصلاح گری به خاطر خدمات بزرگی که به اسلام کرده اند تشکر می کنم» (همان، ۵۲/۱). به نظر ما این سخنان خلیلی، موید اذعان او به ضرورت جریان اصلاح طلبی اجتماعی و تأیید این جنبش است.

موضع گیری خلیلی در قبال آراء مفسران متقدم و متاخر، نشان می دهد که نگارش تفسیر وی در پاسخ به ضرورت بازگشت به قرآن بوده است. براین اساس، تلاش او در این راستا، به نوعی ادامه تلاش علمای متقدم محسوب می شود. البته خلیلی تاثیر پذیری خود از آراء اصلاح گرایانه رهبران نهضت اصلاح طلبی را انکار نمی کند؛ اما در مقام مفسر آگاه و اصلاح گری اجتماعی، به نقل آرا و اندیشه‌های دیگران و تقلید صرف از آنان اکتفا نکرده است. بلکه بسیاری از اقوال و آراء را با نقد و تحلیل ارزیابی کرده است. زیرا به اعتقاد او، هر کلامی بجز اقوال پیامبر و معصوم که مؤید به وحی هستند، امکان رد یا قبول دارد (خلیلی، ۱۴۳۳: ۸۲/۳). بنابراین او تصریح می کند، نقد و بررسی هر رأیی منوط به استفاده ناقد از ادله عقلی و نقلی و سایر سازوکارها و ابزارهای روش شناختی و علمی در نقد است (الرجیبیه، ۱۴۴۲: ۵۲-۷).

توجه خلیلی به نقاط ضعف جنبش اصلاح طلبی دینی و اجتماعی و نادیده نگرفتن آنها را می توان از جمله ویژگی های این اصلاح طلب معاصر اباضی تلقی کرد؛ چرا که به اعتقاد او ظهور جنبش اصلاح گری دینی و اجتماعی همزمان با وقوع شرایط حساس اجتماعی، دینی و علمی جوامع اسلامی، زمینه ساز بروز برخی ضعفها در این مکتب شده بود. او می نویسد: «گرچه بسیاری از نظرات تفسیری امام عبده و جمال

الدین را پذیرفته و در تمجید مکتب اصلاح طلبی متأثر از واقعیت هستیم ولی این مانع از اشاره به برخی نکات ضعف آرای آنان در انحراف از واقعیت نمی‌شود. زیرا این مکتب در شرایط حساس جمود عقلی علماء، رواج بدعت‌ها و شیوع تفکر غربی تضاد دین و عقل بوجود آمد» (خلیلی، ۱۴۳۳: ۵۰/۱). افزون بر اینکه «کلام هیچ کس جز معصوم علیه السلام خالی از اشکال نیست» (همان، ۸۲/۳). این سخن نشان می‌دهد خلیلی، بیش از تکیه بر آثار گذشتگان و متأخران، اساساً دیدگاه اصلاح‌گرایانه خود را بر اصول روش شناختی حاکم بر تفسیر و تأثیر آراء تفسیری بر اصلاح اجتماعی و دینی جامعه اسلامی استوار می‌کند.

به عنوان نمونه موضع خلیلی در برخی آراء تأویلی سردمداران مکتب اصلاح‌طلبی، درباره تلاش آنان برای محدودیت مفهوم غیب در قرآن به منظور رفع خرافات از اسلام و اجتناب از اتهام تعارض اسلام با عقل را می‌توان تحلیل انتقادی او بر آراء مخالف دانست. مواردی از آراء تأویلی جمال‌الدین اسدآبادی و عبه، مانند تأویل فرشته به «خیر» و شیطان به «شر» در المنار و تأویل عبه از سنگریزه‌های ابابیل به میکروب در تفسیر سورة فیل به چشم می‌خورد. عبه در این تأویل، کوشیده تلاش عقل‌بشری در راستای فراتر رفتن از محیط محدود انسانی و حد و مرز معین شده از سوی خداوند را بی‌فایده جلوه دهد (همان، ۵۱/۱). او در خلال نقد نظریه صاحبان المنار، ابتدا به تفصیل، و حیانی بودن مبانی اعتقادی و احکام دینی و ناتوانی عقل در جعل این مبانی را تبیین کرده است و سپس بر و حیانی بودن ایمان به غیب و عدم تعارض آن با عقل تأکید می‌کند، در اندیشه او عقل از محیط و اقتضائات محیطی و تحولات زندگی تأثیرپذیری دارد. در نتیجه می‌تواند در قبول یا رد صدق و کذب باورهایش خلاف واقع عمل کند. این امر، افزون بر اثبات نقصان ذاتی عقل، بر و حیانی بودن مبانی عقیدتی و قوانین دین هم دلالت دارد. بنابراین انکار وحی توسط عقل، دلیل نقص عقل است، نه کاستی وحی. ناتوانی در هدایت انسان، دلیل دیگر بر نقص عقل است، زیرا اگر عقل به تنهایی برای هدایت انسان و اتمام حجت بر او کافی بود، وجود وحی و ارسال رسل ضرورت نداشت. در حالیکه آیه «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا» (اسرا: ۱۵) بر لزوم وجود انبیاء تصریح دارد. بدین ترتیب، از یک سو عقل با وجود نفوذ و قدرت ادراکش در مقایسه با وحی، صرفاً به منزله گواه است و از سویی مهمترین فایده عقل می‌تواند، یافتن راهی برای استفاده از علوم به منظور فهم بیشتر دین باشد (همان، ۵۲/۱-۵۱). بدین ترتیب خلیلی معتقد است، انکار وحی و ارائه برخی تأویلات نادرست متعارض با مراد خداوند و مخالف عقل، پیامد تلاش عبه و جمال‌الدین در تفسیر غیب بر اساس مقیاس عقل و محدود ساختن آن در قالب

مفاهیم بشری است.

موضع‌گیری خلیلی در قبال آراء تفسیری متقدمین و متاخرین، نشان می‌دهد که تفسیر وی در پاسخ به ضرورت بازگشت به قرآن و تبیین جنبه هدایتی قرآن بوده است. بر این اساس تلاش او در این زمینه، به نوعی ادامه تلاش علمای متقدم در بازگشت مردم به قرآن کریم و بنا نهادن اساس زندگی آنان بر مبنای تعالیم و هدایت قرآن است. با اینکه خلیلی آراء تفسیری خود بویژه در مسئله تفکر اصلاحی‌گری را متأثر از اندیشه سردمداران نهضت (جمال‌الدین و محمد عبده) می‌داند، اما تفسیر او متمایز و مستقل از مفسران متقدم است. زیرا به باور خلیلی، هر کلامی به جز اقوال پیامبر و معصوم که مؤید به وحی هستند، امکان رد و قبول دارد. بنابراین تفسیر خلیلی صرفاً تکرار آراء متقدمان و تقلید در تفسیر نیست و او ضمن ستودن مفسران سابق، از نقادی عالمانه برخی آراء آنان چشم‌پوشی نکرده است. روش خاص این مفسر اباضی در تفسیر، علاوه بر بهره‌گیری از آراء سایر مفسرین، عمدتاً بر اصول اساسی فهم قرآن و تدبیر در معانی آن، آگاهی از قواعد و مبانی تفسیر، آشنایی با زبان و ادب عربی، شناخت اسرار تشریع، اهداف وحی و علاقه و انس با قرآن مبتنی است.

۲-۲-۳: خوانش مبتنی بر اصلاح گری دینی - اجتماعی

خلیلی در تفسیر خود، با تأکید بر فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن، جنبه اصلاح گری دینی و اجتماعی قرآن را نیز اختصاص به یک نسل نمی‌داند و بر تعلق آن به تمام نسل‌ها تأکید دارد. او آورده است: «تابش نور قرآن مختص یک ملت یا نسل نیست، بلکه نور آشکار خداوند است که بر جمیع جهانیان می‌تابد» (همان، ۶۲/۱). بر این اساس، اسرار و حکمت آیات قرآن، طبق اقتضائات زمان و با تغییر شرایط نسل‌ها، تجدید می‌شود. گو اینکه قرآن، مردم هر عصری را با اسرار معرفتی و حقایق و قوانین هستی منطبق بر عصر آنان، خطاب می‌کند (همان، ۱۴۲۵: ۳۴/۴).

۳-۳: مبانی اصلاح گری دینی و اجتماعی در جواهرالتفسیر

پایبندی خلیلی به مبانی اصلاح طلبی در خوانش آیات قرآن بر اساس اصلاح گری دینی و اجتماعی در جواهرالتفسیر از نکات قوت این تفسیر است. برخی از این مبانی را می‌آوریم.

۱-۳-۳: نزول آیات قرآن منطبق بر اقتضائات زمان

جریان اصلاح طلبی دینی با هدف رهایی بخشیدن مبانی دینی از گزند انحطاط و انحراف، همواره در صدد است تا تفسیری نوین از مبانی دینی، متناسب با مقتضیات زمان و مکان ارائه دهد. مقتضیات زمان، یعنی

مقتضيات محیط و اجتماع و زندگی بشر، به حکم این که به نیروی عقل و ابتکار و اختیار مجهز است و تمایل به زندگی بهتر دارد، پیوسته افکار و اندیشه‌ها و عوامل و وسائل بهتری برای رفع احتیاجات اقتصادی و اجتماعی و معنوی خود وارد زندگی می‌کند. مقتضیات محیط و اجتماع و زندگی در هر عصری و زمانی تغییر کند و انسان، الزاماً خود را با مقتضیات جدید تطبیق دهد (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۱۸/۱).

خلیلی در جواهرالتفسیر تعمداً، میان تفسیر آیات و تطبیق آن بر شرایط مختلف حیات حقیقی مسلمانان پیوند می‌زند. او با استناد به جامعیت قرآن تنها راه رفع مشکلات انسان معاصر و سعادت‌مندی او را بازگشت به قرآن و فهم عمیق و صحیح آن به یاری تفسیر می‌داند و معتقد است، مسلمانان معاصر بسیار نیازمند بازگشت به قرآن و بنا کردن مبانی حیات دینی خود بر اساس تعالیم متین، متعالی قرآن در عرصه‌های اخلاق، اعتقادات، عبادات، معاملات، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع اند؛ زیرا قرآن با هدف هدایت و راهنمایی همه بشریت و رساندن آنان به رشد و کمال نازل شده و از همین رواز پاسخ‌گویی به هیچ مسئله‌ای در زمینه سعادت بشر در ادوار مختلف و ارائه راه حل معضلات آن فروگذار نکرد ه است (خلیلی، ۱/۱۴۳۳).

به عقیده خلیلی، دنیای امروز، وارد مراحل جدیدی از بیداری اسلامی شده و نور اسلام بر عقول جوانان مسلمان تابیدن گرفته است؛ پس بر مسلمانان واجب است که برای محافظت از بیداری اسلامی، هدایت آن در مسیر صحیح، گسترش آن به یاری قرآن، و حراست از این بیداری در برابر هرگونه انحراف و ناراستی، نهایت تلاش خود را به کار گیرند و همه امکانات مادی و معنوی را به استخدام درآورند (همان جا). از این نوشته‌های خلیلی رویکرد اجتماعی او در تفسیر کاملاً مشخص است و می‌توان او را ادامه دهنده راه مصلحان اجتماعی و مفسران معاصر دانست که درصدد بازگشت مسلمانان به اسلام حقیقی و قرآن بوده اند (باقری، ۱۴۰۱: ۱۰۹-۱۲۶).

۳-۲: اصلاح طلبی دینی با تاکید بر بُعد تربیت اجتماعی قرآن

پرداختن به تربیت دینی منطبق بر آیات قرآن و اهتمام به اصلاح زندگی مسلمانان معاصر، یکی از ابعاد اصلاح طلبی دینی است. احمد خلیلی در جایگاه مفسر اصلاح طلب، ذیل مبحث اعجاز قرآن در مقدمه جواهرالتفسیر خود، نگاه تربیتی به قرآن را از نظر دور نداشته و می‌نویسد: «لا تمکن التفرقة بین الاجتماع و الاخلاق فی الاسلام؛ فإن الاخلاق هی أساس الاجتماع بل أستطيع الجزم بأن العنصر الخُلقي

لا یعدم فی ائی جزء من التشریع القرآنی» (خلیلی، ۱۴۳۳: ۱۲۱/۱)؛ اخلاق، اساس اجتماع بشری است. از منظر اسلام، تفکیک جامعه و اخلاق، امری غیر ممکن است. از این رو، عنصر اخلاق در همه اجزاء قوانین اسلام نهاده شده است.

خلیلی همچون سایر مصلحان اجتماعی، با تبیین روش پیامبر (ص) و سلف صالح در تربیت عملی طبق رهنمودهای قرآن بر جنبه تربیتی اصلاح طلبی تاکید کرده است. به عنوان نمونه در تفسیر آیه «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (نحل: ۵۸) به بُعد اصلاح گری اسلام در حوزه تضمین حقوق زنان در عصر جاهلیت پرداخته و کرامت زن در اسلام و مکاتب غیر اسلامی را مقایسه کرده است. او با استناد به این روایت پیامبر (ص) «أَنَّ مَنْ رَزَقَ الثَّنَاتِ قَرَبَاهُنَّ وَأَحْسَنَ تَرْبِيَتَهُنَّ كَانَ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ حِجَابًا مِّنَ النَّارِ»، نتیجه گرفته، زن در نظام اسلام جایگاه طبیعی و انسانی از دست رفته خویش را بازیافت در حالی که سایر مکاتب حقی برای زن قائل نیستند (همان: ۱۰۰/۱).

آیت الله مکارم معتقد است، اهتمام فوق العاده قرآن به مسائل اخلاقی و تهذیب نفوس به عنوان یک مسأله زیربنایی، منشأ دیگر برنامه های زندگی است و بر تمام احکام و قوانین اسلامی سایه افکنده است. از این رو، تکامل اخلاقی فرد و جامعه، مهمترین هدف ادیان آسمانی بوده و آن را ریشه همه اصلاحات اجتماعی و اسباب مبارزه با مفاسد و ناهنجاری ها می شمردند (مکارم شیرازی ۱۳۷۷: ۲۲/۱).

خلیلی در جایگاه قرآن شناسی آگاه، قائل به نزول قرآن و مطابقت معارف آن بر حقایق حیات امت اسلام است؛ زیرا قرآن طی چهارده قرن گذشته به عنوان چراغی رفیع و درخشان همچنان باقی است و تعدد افکار و علوم متنوع، افزون بر اینکه شأن و جایگاه آن را ارتقا بخشیده است و مویدی براهمیت و اعجاز قرآن به شمار می آید (خلیلی، ۱۴۳۳: ۵۲/۱). از سوی دیگر، قرآن سرشار از اوامر و قوانین الهی در همه عرصه های حیات آدمی است؛ بنابراین ضروری است مؤمنین با تمام وجود تسلیم و مطیع محض کلام الهی باشند و قرآن در همه ابعاد عام و خاص زندگی آنان راه یابد (همان، ۲۰۳/۲). این برداشت از قرآن، خلیلی را به تلاش برای ترغیب مسلمین به بازگشت به قرآن و تبیین صحیح ابعاد تربیتی قرآن واداشته است. به نظر او، کلمات و عبارات قرآن هدایت کننده است و قاری با تلاوت هر لفظی از قرآن، می تواند برای تهذیب نفس و تربیت وجدان خود از آن بهره مند شود (همان، ۲۲۷/۱). به عنوان مثال، خلیلی در جواهر التفسیر، ذیل عنوان "حمایه الاسلام للعلاقات الاجتماعیه..."، اهمیت روابط اجتماعی در اسلام را به موضوع "طهارت"

پیوند داده است. او با استشهاده به آیاتی چون "یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ" (حجرات: ۱۱) و "والذین یرْمُونِ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ یَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِینَ جَلْدَه..." (نور: ۴) طهارت زبان و فکر مسلمانان از آلودگی به رذایل را مبنای اصلاح‌گری دینی در عرصه تربیت اجتماعی برای ایجاد روابط صحیح اخلاقی در اجتماع دانسته است (خلیلی، ۱۴۳۳: ۱۳۱/۱).

۳-۳-۳: اصلاح طلبی اجتماعی با تأکید بر استفاده از دستاوردهای علوم جدید

بررسی ما نشان می‌دهد، در مکتب تفسیری اباضیه، تنها خلیلی به اعجاز علمی قرآن پرداخته است. او با استناد به برخی آیات علمی قرآن به تفسیر علمی مواردی از آنها مانند: "خلقت انسان، کوه‌های آسمانی، خلقت زوجین، موزون بودن اجزای آفرینش و معین بودن مقدار هر شیء" پرداخته است. او در نظریه اش پیرامون اعجاز علمی، هدف از نزول قرآن را ایجاد بینش و گشودن چشمان انسان بر صفحات کتاب آفرینش دانسته است. به باور خلیلی، با گذشت سال‌های متمادی از نزول قرآن، انسان به فهم حقایقی از خلقت مرتبط به وجود انسان و واقعیات عالم هستی دست یافت که قبل از نزول بر او پوشیده بود (همان، ۱۶۱/۱-۱۷۹). در نگاه خلیلی، قرآن کتاب طبیعت، طب و.. نیست، بلکه کتاب هدایت و دعوت است و خداوند آن را نازل کرد تا نوری برای روشن کردن مسیر انسانیت و آگاه نمودن انسان از منافع و خطرات مسیر هدایتش باشد (همان، ۱۶۱/۱). مفسران شیعه و اهل سنت نیز معتقدند؛ قرآن با توجه به هدف نزول، کتاب انسان‌سازی، هدایت و تشریع است و تمامی مطالب آن در راستای رشد و تعالی و تربیت و تکامل اوست. بهره‌گیری از اعجاز علمی قرآن و دستاوردهای علوم جدید در ایجاد فهم قرآن متناسب با هر عصر و تبیین مقاصد مرتبط با آیات تفسیر شده، گونه‌ای از اصلاح‌گری در تفسیر تلقی می‌شود. خلیلی همانند سایر مفسران معتقد است؛ جنبه هدایتی قرآن تجدیدپذیر، جاودان و مستمر است و با توالی نسل‌ها از بین نمی‌رود. به عنوان مثال خلیلی به روان‌شناسان مسلمان، اما پیرو نظریات غیر مسلمان در مباحث روان‌شناسی، توصیه می‌کند، اگر مباحث روان‌شناسی را در پرتو قرآن بررسی کنند، در مقایسه با دیگران به نتایج شگفت‌انگیزی دست یافته و این حقایق جایگزین فرضیات و نظریات دیگران خواهد شد. از این رو، نسل جدید باید عهده‌دار این مسئولیت شوند و قرآن را در پژوهش‌ها و مباحث علمی، نصب العین خود قرار دهند (همان، ۱۷۹/۱). نمونه دیگر، تفسیر علمی او بیان ادله علمی است، درباره منشأ رعد و برق در آیه «أَوْ كَصَيِّبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ یَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِی آذَانِهِمْ مِنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَ اللَّهُ

مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ» (بقره: ۲۰). خلیلی در تفسیر آیه، آراء تفسیری برگرفته از اسرائیلیات و توهمات یونانی و تفاسیر منسوب به برخی صحابه و تابعین را به سبب وجود ضعف در اسانید این روایات و ثابت نشدن آنها مردود دانسته است (همان، ۳۴۶/۲). این مفسر معاصر، وقوع برخورد بین الکتریسیته مثبت و منفی موجود در ابرها را دلیل علمی ایجاد رعد و برق دانسته است. با این برخورد، نور و صدای خروشان و با افزایش آن، صواعق مرگبار ایجاد می شود. با درک این واقعیت علمی، پرده توهّم از آن برداشته شد و مردم با استفاده از «ستون های صاعقه»، ستون های برافراشته بر ابنیه بلند، به پیش بینی وقوع صاعقه روی آوردند (همان، ۳۴۷/۲).

۳-۴: تأمل در احوال امم سابقه و قوانین هستی با هدف اصلاح طلبی اجتماعی

تأمل در احوال امم سابقه، به معنای بازاندیشی در تاریخ و سرنوشت جوامع گذشته است. این بازاندیشی شامل بررسی علل صعود و سقوط تمدن ها، تأثیر رهبران و قوانین بر جامعه، و نحوه مواجهه با چالش ها و بحران ها می شود. تأمل در احوال امم سابقه و قوانین هستی با هدف اصلاح طلبی، فرآیندی است که به انسان کمک می کند تا از تجربیات پیشینیان به عنوان آینه ای برای شناخت خود و جهان پیرامون، به منظور اصلاح طلبی و بهبود شرایط کنونی جوامع و پیشرفت آنها استفاده نماید و با الهام از آن، به سوی آینده ای بهتر گام بردارد. قرآن کریم، در مواردی مانند «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران: ۱۳۷) مسلمانان را به درس عبرت گرفتن از تاریخ و سرنوشت جوامع گذشته امر می کند. علامه طباطبائی، در تفسیر آیه، بر استفاده از تاریخ به عنوان درسی برای آینده با هدف پرهیز از خطاها و حرکت به سمت تعالی و پیشرفت تأکید می کند (طباطبائی، ۱۳۸۵: ۲۱/۴).

به عقیده خلیلی در میان همه وقایع مناسب برای عبرت گرفتن، حوادث مربوط به انبیا و رسولان الهی، تکذیب و انکار آنان از سوی امت های سابق، ایستادگی مستکبران در برابر انبیا و نیز پیروزی حق و شکست باطل در مقابله با یکدیگر، مهم ترین چیزی است که می توان از آن عبرت گرفت. قرآن می فرماید: لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (مؤمنون: ۱۱۱). براین اساس، شایسته است امت اسلام، از حوادث امت های پیشین خود درحالت تقوا و فجور و سپاس و کفرشان، آگاه باشند و از قوانین و سنن الهی درباره امت های گذشته درس بگیرند؛ چراکه مسلمین، امت دعوت به حق هستند. ازاین رو، برای درک کیفیت دعوت الهی خود و اقناع

کردن مردم، ضروری است به مطالعه احوال پیشینیان روی آورند (خلیلی، ۱۴۳۳: ۲۶۰/۳).

تأمل در قوانین هستی با هدف اصلاح طلبی به معنای تفکر عمیق در مورد اصول و قوانینی است که جهان را شکل می‌دهند و اصلاح طلبی در این زمینه به معنای تلاش برای رسیدن به جامعه‌ای عادلانه‌تر و پایدارتر است. این فرآیند می‌تواند شامل بررسی قوانین طبیعی، اجتماعی، اخلاقی و فلسفی باشد که بر زندگی انسان تأثیر می‌گذارند. به طوری که تأمل در قوانین اجتماعی و اخلاقی زمینه شناسایی و اصلاح معضلات جامعه را ایجاد می‌کند.

خلیلی، دعوت اسلام به تفکر در احوال امم سابقه را شاهی بر جهانی بودن دین اسلام و جهانی بودن دعوت به آن دانسته است. براین اساس، ضمن نفی انزوا و زندگی بسته مسلمان در محیط محدود، آنان را به سیاحت در زمین، با هدف درک حوادث و واقعیات پیرامون خودشان، دعوت کرده است (خلیلی، ۱۴۳۳: ۲۶۱/۳). او می‌نویسد: «سلف صالح مانند امام ابو یعقوب یوسف الوریجانی، به لزوم دعوت به مطالعه احوال اجتماعی و سیاسی مردم پی بردند و چون درک بهتری از قرآن داشته و به هدایت آن آگاه‌تر بودند، با تلاوت آن، بیشتر از سایرین از جنبه‌های اجتماعی و دینی آن بهره بردند و انگیزه و میل به آگاهی از شگفتی‌های آفرینش و تدبیر در قوانین هستی، در آنان برانگیخته شد (همان، ۲۶۳/۳).

جمع بندی و نتیجه گیری:

خلیلی در جایگاه مفسر اباضی مذهب، عالمی کوشا، مبتکر و مخلص در عرصه اصلاح طلبی و نهضت بیداری اسلامی است که آثار فکری و عملی او و انگیزه‌اش از پرداختن به تفسیر قرآن گواه این حقیقت است. با مطالعه و بررسی جواهرالتفسیر، بدست می‌آید که مفسر در تفسیر قرآن رویکردی اصلاح طلبانه و فراتر از تقلید دارد. جلوه‌هایی از این رویکرد آورده می‌شود:

۱- خلیلی اصلاح طلبی دینی را به سبب تناسب آن برای هر زمان و مکان ضرورتی مبرم دانسته و تأکید می‌کند، عرصه اصلاح طلبی و تجدید، متغیرهای دین - به شرط وجود ابزار اجتهاد - را شامل می‌شود و احکام ثابت دین مشمول اصلاح و تجدید نیست.

۲- از نظر خلیلی، مفهوم تجدید شامل جنبه اجتهاد شرعی در فقه است، که به دلیل وابستگی به اجتهاد و به شرط آگاهی و بصیرت مسلمانان اصلاح‌گری در این جنبه امکان پذیر است.

۳- دوری از مظاهر تقلید مفسران متقدم، یکی از مهمترین ابعاد تجدید و اصلاح‌گری خلیلی در جواهرالتفسیر است. خلیلی از روش ارائه آرا و رد کردن آن با ادله علمی و براهین عقلی تبعیت کرده است. همچنین در بیان آراء اجتهادی و دیدگاه تفسیری خود در برخی موارد کم نظیر است. بر این اساس، شخصیت علمی و استقلال فکری بارز او در جواهرالتفسیر واضح است.

۴- خلیلی از دست رفتن عزت مسلمین، شیفتگی روشنفکران به غرب تحت تاثیر تمدن اروپا و غفلت از سازگاری دین و علم را انگیزه ای قوی برای اصلاح طلبی دینی و اجتماعی دانسته است.

۵- خلیلی در جواهرالتفسیر به ارائه فهم و خوانش جدید قرآن متناسب با عصر حاضر و ارائه ابعاد جدید هدایت‌گری قرآن، علاقه بسیار دارد. به همین منظور، نسبت به اصلاح واقعیت زندگی امت اسلام، با استفاده از داده‌های علوم جدید، و دعوت کردن امت به تأمل در سنن الهی در عالم هستی و دیگر پدیده‌های مؤثر برای فهم قرآن، اهتمام ورزیده است.

فهرست منابع

۱. ابوالنجا، محمد حسن محمد حسن، (۲۰۲۱م)، «التجديد في التفسير، حقيقته، ضوابطه، و مجالاته»، مجلة الدراسات الإنسانية والأدبية، جامعة الأزهر، المجلد ۲۵، ش ۲، صص ۴۶۶-۶۵۰
۲. اسدآبادی، سيد جمال الدين (۱۳۵۸ش). مقالات جماليه، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلامي.
۳. ايازى، محمدعلى، (۱۳۷۴)، «نگاهى به تفاسير اباضيه»، نشریه بینات، موسسه پژوهشی امام رضا، ش ۷، صص ۱۴۰-۱۵۳.
۴. باقى، عمادالدين (۱۳۹۸)، « حزب و تشكيلات، دو اصطلاح در علوم سياسى ». دائرة المعارف بزرگ اسلامي، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، ۷۰۷/۴
۵. باقرى، بتول، (۱۴۰۱)، مقاله "روش تفسیری احمد خليلی در جواهر"، پژوهش نامه نقد آراء تفسیری، ش ۶، سال سوم، دوره دوم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مشهد، صص ۱۲۶-۱۰۹.
۶. بكارى، سميره (۲۰۱۳م)، «ابراهيم ييوز و دوره فى الحركة الاصلاحية فى الجزائر»، اشراف: حوحرضا، جامعه محمد خيضر بسكره (تونس).
۷. پاكنتچى، احمد، «تفسير»، دانشنامه بزرگ اسلامي، ج ۱۵، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، ش ۶۰۱۵
۸. جلالى مقدم، مسعود (بى تا)، «اباضيه»، دانشنامه بزرگ اسلامي، ج ۲، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، بى جا، ص ۵۸۷.
۹. خر مشاهي، بهاء الدين (۱۳۶۴)، تفسير و تفاسير جديد، سازمان انتشارات كيهان، چاپ اول.
۱۰. الجهنى، مانع بن حماد، «الاباضيه»، الموسوعة الميسرة فى الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، ج ۲، دار الندوة العالمية للطباعة و النشر الطبعة: الرابعة، ۱۴۲۰.
۱۱. الخليلي، احمد بن حمد (۱۴۲۵ق)، جواهرالتفسير: انوار من بيان التنزيل، تفسير الآيه السابعه من سوره آل عمران، جزء خاص مكتبة الاستقامة، عمان.
۱۲. الخليلي، احمد بن حمد (۱۴۳۳ق)، جواهر التفسير: انوار من بيان التنزيل، ج ۲، مكتبة الاستقامة، عمان، ط ۲.
۱۳. الخليلي، احمد بن حمد (۱۴۳۳ق)، جواهر التفسير: انوار من بيان التنزيل، ج ۳، مكتبة الاستقامة، عمان، ط ۲.

۱۴. الخلیلی، احمد بن حمد (۱۴۳۳ق)، جواهر التفسیر: انوار من بیان التنزیل، ج ۱، مکتبه الاستقامه، عمان، ط ۲.
۱۵. الخلیلی، (۱۴۲۸)، الدین و الحیات، الخطاب: الدعوی: خمیس بن راشد العدوی، مکتبه الاجیال، مسقط، بی ط.
۱۶. الذهبی، محمد حسین (بی تا)، التفسیر و المفسرون، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی نا.
۱۷. الراجحی، عبدالعزیز بن عبدالله (۱۴۳۰)، شرح صحیح ابن خزیمه - کتاب الوضوء، المصدر: مجموعة مواقع مداد، المحاضرة بصيغة RM. <https://midad.com/books>
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامية.
۱۹. الرجیبی، ایمان بنت محمد؛ الهناتی، عبدالله بن سالم؛ الشعلی، سلیمان بن علی (۱۴۴۲)، «المنهج التجديدي عند الشيخ احمد بن حمد الخليلي في تفسيره جواهرالتفسير انوار من بيان التنزيل»، مجله البحوث الاسلاميه، العدد ۷۰، جامعه الازهر مصر، صص ۷-۵۲.
۲۰. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، دار المعرفة بیروت.
۲۱. رومی العززی، مها محمد، «فرقة الإباضية و منهجهم في التفسير دراسة وصفية لبعض تفاسيرهم»، إدارة الدراسات الإسلامية، وزاره الأوقاف، مجلة الزهراء، العدد الثلاثون، دولة الكويت.
۲۲. زغيشی، سعاد (۱۴۲۸ق)، «منهج هود بن محكم في التفسير»، اشراف: كافي، منصور، بحث مقدم لنيل درجه الدكتوراه في العلوم الاسلاميه، الجزائر: جامعه الحاج لخضر باتنه، الجزائر.
۲۳. السالمی، محمد عبدالله (۱۴۳۳)، معجم مصطلحات الاباضيه، عمان: وزاره الاوقاف و الشؤون الدينيه، ط ۲.
۲۴. السبحانی، جعفر (بی تا)، بحوث في الملل و النحل، ج ۵، مؤسسة النشر الإسلامي، بی جا.
۲۵. سجادی، صادق (۱۳۹۸)، «اصلاح طلبی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامي، ج ۴، مركز دائرة المعارف بزرگ اسلامي، ۸. ص ۱۲۳۰.
۲۶. شریف، محمد إبراهيم (۱۳۹۹ق)، اتجاهات التجديد في تفسير القرآن الكريم في مصر في القرن العشرين، تحقيق عبد العظيم معاني، كلية دار العلوم، دارالسلام، قاهره، ط ۱.

۲۷. الشعيلي، سليمان بن علي؛ المنصوري، مبروك؛ الرجيبي، ايمان (۲۰۱۹)، «التجديد عند الشيخ ابراهيم عمر بيوض تفسيره في رحاب القرآن نموذجا»، نشرية دراسات لجامعة عمار ثليجي الاغواط، الجزائر، العدد ۷۶، صص ۲۳-۱.

۲۸. طعيمه، صابر (۱۴۰۶ق)، الاباضيه عقيدة و مذهباً، بيروت: دارالجيل.

۲۹. عبد القادر، محمد صالح (۱۴۲۴)، التفسير و المفسرون في العصر الحديث، بيروت: دارالمعرفة.

۳۰. علوي مهر، حسين (۱۳۸۱)، روشها و گرايشهای تفسيری، قم: اسوه.

۳۱. غنيم، محمد عبدالحليم، «جواهر التفسير: انوار من بيان التنزيل لسماحة الشيخ احمد بن حمد خليلي»، المجلة الثقافية الجزائرية، ۱۴۴۰ق / ۲۰۱۸م.

۳۲. فرهنگ انصاری، حسين، «اطفیش»، دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۹، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

۳۳. قاسمی، ابراهيم (۱۳۹۸) «عمان و اباضیه معاصر»، هفت آسمان، شماره ۷۷، سال ۲۱، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، صص ۵-۲۴

۳۴. کردکرمی، امیر (۱۳۹۹)، «جریان بازگشت به قرآن در اندیشه سیاسی اسلام معاصر»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، زمستان ۱۳۹۹، صص ۱۴-۱.

۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، پاپ ۳۵، تهران: انتشارات صدرا.

۳۶. منیع، عبدالحلیم محمود (۱۹۷۸م)، مناهج المفسرين، دار الكتاب المصري، ط ۱.

۳۷. منیع، عبدالحلیم محمود (۱۴۲۱)، مناهج المفسرين، دار الكتاب المصري / دار الكتاب اللبناني، القاهرة / بيروت، بی ط.

۳۸. نويهض، عادل (۱۴۰۰ق)، معجم الاعلام الجزائر من صدر الاسلام حتى العصر الحاضر، موسسه نويهض الثقافيه، بيروت، ط ۲.

۳۹. هواری، هود بن محکم (۱۴۲۶ ق)، تفسير كتاب الله العزيز، دار البصائر، بی جا، ط ۱.

۴۰. يوسفی اشكوری، حسن؛ سجادی، صادق (۱۳۹۸)، «اصلاح طلبی در جهان عرب»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۲۳۰.